

غزه یی غرقه بخون،... و دیوار پولادین!

در سالگرد حمله بر غزه

سال پار در چنین شب و روزی ما شاهد یکی از خونین ترین و بیرحمانه ترین جنگهای عصر بودیم، که روی حسابات خاص کشورهای قدرتمند، توجه کمتری بران صورت گرفته و چه بسا که بجای جلادان، قربانی ضعیف را ملامت گرفتند!

زهر پروسه دیموکراتیک:

بعد از اینکه پروسه انتخابات پارلمانی میان فلسطینیان در فلسطین، منجر به پیروزی سازمان حماس گردید (۲۵ جنوری ۲۰۰۶)، مردم فلسطین و تمام جهان شاهد سلسله تحركات غیر دیموکراتیک در رابطه به این نقطه داغ کره زمین شدند که بعدتر، تأثیر آن بر فرد فرد فلسطینی بصورت منفی بمشاهده رسید.

همزمان با ظهور نتایج انتخابات، پارلمان فلسطین که اکثریت آن مربوط به سازمان (الفتح) تحت ریاست محمود عباس بود و آخرین روزهایش را میگذشتاند، اقدام به تصویب قوانینی بنفع ریاست دولت خود گردان که محمود عباس انرا اشغال کرده بود، بخاطر مقید ساختن حکومت آینده که قطعاً بر هبری حماس تشکیل میگردید، نمود.

پیروزی حماس نه تنها عده یی از رهبران سیاسی حزب حریف (الفتح) را ناراحت ساخته بود، بلکه بشمول اسرائیل عده یی از کشورهای عربی را نیز ناراحت نموده بود. البته در سطح جهانی هم بدون اندک ترددی میتوان دریافت که اکثریت کشورهای قدرتمند غربی و در مقام اول امریکا، که بدون قید و مرزی از سیاست اسرائیل تا سرحد افراط دفاع و پیروی مینمایند، از نتیجه این انتخابات ناراحت شدند. این انتخابات که بگواهی تمام سازمان های بین المللی غربی انتخاباتی بود دیموکراتیک، شفاف و آزاد، برای مردم بلا کشیده فلسطین سبب شد تا بیشتر درد و رنج استعمار و حامیان آنرا بجرم انتخابشان بچشند.

درین جهان، عجایب حیرت آوری ظهور میکند که از جمله میتوان از مفهوم و استفاده از کلمه " دیموکراسی " یاد کرد که در هر جایی بشکلی مورد معامله قرار میگیرد. اگر بهانه نبود دیموکراسی در مناطقی از عالم، کشور هایی مورد گوشمالی قرار میگیرند، در جاهایی هم مردمی بجرم تطبیق همین دیموکراسی در زندگی شان باید از سوی مودیستان و مدعیان دیموکراسی، عذاب کشند، البته چند بهانه جانبی را هم به ان باید افزود. از همین جهت مردم فلسطین در حالی که از قبل هم وضعیت شان درد آور بود، مورد توبیخ قرار گرفتند، تا اینکه بهانه محاصره غزه را در تابستان سال ۲۰۰۶ دریافتند.

در جون سال ۲۰۰۶ ملیشه های فلسطینی در غزه موفق به دستگیری و اختطاف یک سرباز اردوی اسرائیل از سنگرش گردیدند که این قضیه سبب شد تا اسرائیل تمام مداخل حدودی اش را بروی دخول و خروج امتعه و ضروریات مورد نیاز فلسطینیان در غزه بشکل شبه کلی ببندند. تنها ممری که فلسطینیان غزه میتوانستند از طریق ان با خارج ارتباط گیرند بندر " رفح " میان غزه و مصر بود که توسط قوت های مشترک اروپایی، فلسطینی و مصری کنترول میگردید.

بعد از تشکیل حکومت حماس، امریکا، کشورهای اروپایی بشمول تعدادی از کشورهای عربی در آوردن فشار بر حکومت جدید در پهلوی اسرائیل قرار گرفتند، کمک های اقتصادی شان را بفلسطین مشروط ساختند به اعتراف رسمی حماس به موجودیت اسرائیل و ترک حماس آنچه را غربیها و اسرائیل تروریزم مینامیدند و فلسطینیان انرا مقاومت مشروع برای آزادی وطن میشناختند، چنانچه بانک ها در فلسطین از نقل و انتقال ارزی برای حکومت، روی فشار همین جهتها ابراء ورزیدند، چیزی که فشار انرا ننتها حکومت جدید، بلکه همه مردم فلسطین متحمل شدند، این حالت اعضای حکومت جدید را وادار کرد تا مبالغی را نقدا توسط اعضای حکومت و حرکت حماس وارد فلسطین سازند که ادخال معاش مأمورین در غزه با مشکلاتی در بندر رفح مصری، تنها بندر قابل استفاده برای اعضای حماس، همراه بود. اما مشکلات اقتصادی نمیتوانست با چنین کارهایی کاهش ملحوظ یابد. سرانجام این مشکلات بهانه بود برای حرکت در آوردن گروههایی در داخل ادارات حکومت فلسطین تا دست به اعتصاب زده و حکومت حماس را زیر فشار بیشتری قرار دهند. همچنان برای فشار بیشتر بر حرکت حماس، اسرائیل اقدام بدستگیری اعضای پارلمان و حکومت حماس نموده، دهها عضو انرا بزدان های اسرائیلی انداخت.

دیانو شمیره: له ۱ تر ۷

افغان جرمن آنلاین تاسو په درنښت همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادښت: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لوی

کشورهای اروپایی و امریکا که ممول اساسی دولت خود گردان فلسطینی اند، (که اساسا این دولت روی همین مساعدات خارجی پا برجاست) اگر از سوی کمکهایشان را به فلسطینیان در موجودیت حماس در حکومت، معلق ساختند ولی در جانب دیگر کمک هایشان را برای عباس و گارد نظامی مربوط وی که از حکومت تبعیتی نداشتند، بیشتر ساختند. این گونه تعامل با فلسطینیان سبب امتداد و تعمیق درز، میان حرکت فتح که در وجود محمود عباس بصورت رئیس دولت خود گردان تمثیل میشد و حرکت حماس که در تشکیل حکومت تبارز داشت، گردید. گرچه حکومت در مناطق خود گردان فلسطینی توسط حماس تشکیل گردیده بود، ولی حلقاتی مربوط به حرکت فتح و از جمله رؤسای سازمان های امنیتی داخل حکومت و انانیکه از این تغییر دراماتیکی در میدان سیاست خساره مند شده بودند، هرگز آماده نبودند تا صلاحیت اداره و امور کاری را به حکومت انتخابی تسلیم نمایند یا از اوامر حکومت پیروی کنند، از همین جهت در زیر کرسی حکومت علنی و رسمی، حکومت سایه و صاحب اختیار، در وجود افراد حرکت فتح و بالأخص در وجود قوت های امنیتی وجود داشت که نظریه معاهدات سابقه میان حکومت فلسطینی تحت رهبری فتح از یکسو، و حکومت اسرائیل از سوی دیگر سازمان های امنیتی فلسطینی و اسرائیلی با هم در ارتباط بودند. این مؤسسات مسلح امنیتی در مواقع زیادی خود را تابع به حکومت جدید ندانسته بلکه روی حسابات تنظیمی خود کار کرده و مستقیما خود را با رئیس دولت خود گردان فلسطین محمود عباس که مربوط بفتح بود ارتباط میدادند و به اوامر و خواسته های وزیر داخله حکومت جدید اهمیتی قائل نبودند. چیزی که وزیر داخله وقت را وادار به تشکیل گروهها امنیتی جدیدی کرد که از سوی رئیس دولت غیر قانونی دانسته شده حکم الغای انرا صادر کرد. افراد وابسته به فتح اعتقاد داشتند که با این فشارها میتوان حکومت حماس و در نهایت حرکت حماس را از صحنه سیاسی فلسطین دور سازند.

ادامه این وضعیت باعث شد تا روابط بین دو جریان سیاسی بزرگ در فلسطین ؛ فتح و حماس بعد از یک فتره جنگ تبلیغاتی، به سرایشی جدل فیزیکی و درگیری های مسلحانه سقوط نماید.

وضعیت دشواری که در نتیجه حاکمیت حماس بر حکومت خود گردان فلسطینی بوجود آمده بود عده بی از فلسطینیان و از جمله زندانیان فلسطینی در اسرائیل را وادار به توجیه پیامهایی برای طرفهای درگیر فلسطینی در رابطه به ساختن یک حکومت مختلط نمود، بگونه بی که بعضی از وزارت های کلیدی از دست حماس خارج گردیده تا جامعه بین المللی بدون اینکه با حماس تماس مستقیم داشته باشد بتواند با فلسطینیان در تعامل باشد.

این ندا و تلاشها بلاخره بتاريخ ۰۸-۰۲-۲۰۰۷ منتج به امضای ورقه مصالحه روی تشکیل حکومت جدیدی میان حرکت های فتح و حماس در مکه مکرمه گردید.

بگفته بعضیها ، هنوز رنگ این معاهده خشک نشده بود که نشانه هایی از فرار نگرفتن این معاهده به کرسی عمل ، دیده شد. اتهامات از هردو طرف درگیر، مبنی بر فرار از تطبیق کامل توافقنامه مکه بر یکدیگر، آسمان وسائل ارتباطات جمعی را در فلسطین پوشانید.

بگفته حماس : این گروه بخاطر وحدت میان فلسطینیان از حقوق اساسی شان در حکومت گذشته، حاضر شدند تا کرسی های کلیدی را از دائره صلاحیت خود کشیده در اختیار دیگران قرار دهند، چنانچه تسلیم و توزیع اموال کمکی را از طریق دفتر رئیس دولت خود گردان پذیرفت، بدون اینکه حکومت حماس در ان دخلی داشته باشد. ولی با تمام اینها مشکل مردم رو بتزاید گذاشته، وعده بی هم خواهان سقوط و زوال حماس بودند، ولو بهر قیمتی که شود.

شکست در خانه فلسطینی:

تابستان سال ۲۰۰۷ در ماه جون ، برخورد مسلحانه بی میان طرفداران فتح و حماس در " غزه " صورت گرفت که سازمان فتح در مقابل حماس شکست خورده شماری از رهبران بلند پایه ان به اسرائیل پناهنده شدند. این برخورد را سازمان فتح و رهبری ان بنام انقلاب حماس بر حاکمیت قانونی (!؟) تلقی کرده که بتعقیب ان محمود عباس رئیس دولت خود گردان فلسطینی، حکومت حماس بر رهبری اسماعیل هنیه را برطرف نموده و از شخصی بنام سلام فیاض خواست تا حکومت جدیدی را بدور از حماس تشکیل دهد.

حماس در باره این برخورد اظهار داشت که: سازمان فتح و افراد وابسته بگروه های امنیتی مربوط به ان در غزه تحت قومانده یکی از چهره های جنجال برانگیز سازمان فتح بنام " محمد دحلان"، بتحریک یکی از جنرالان امریکایی بنام "کیت دایتون" که وظیفه نظارت بر ادارات امنیتی فلسطینی را بعهده داشت وظیفه گرفته بود، تا اقدام بتصفیه رهبران حماس نماید، ولی حماس این نقشه را قیل از پیاده شدن کشف کرده و عناصری را که بگفته حماس میخواستند دست به چنین کاری بزند در غزه که مرکز حماس بحساب میاید در جنگ خونینی تصفیه نمود. این برخورد و برتری حماس در حالیکه از هر جهت در محاصره بود برای فتح، اسرائیل و خیلی از ناظرین تعجب انگیز بود و نشانی بود از بیداری و آمادگی حماس در مقابل پیش آمد های سریع و خطیر. ازین بعید فلسطین عملا دو قسمت گردید.

یکی : باریکه غزه زیر حاکمیت حماس که فرمان رئیس دولت خودگردان را غیر قانونی خوانده و خود را حکومت قانونی میدانستند.

دوم: ناحیه غربی رود اردن که برهبری محمود عباس رهبر سازمان فتح و رئیس دولت خودگردان فلسطینی اداره میشود.

این برخورد مسلح در غزه عاملی بود تا هیئت های اروپایی و اسرائیلی از تنها معبر غزه با دنیای خارج (رفح) ، بدر روند و حکومت مصری روی این دلیل که وجود هیئتهای اروپایی و اسرائیلی در بندر رفح شرط باز شدن آن است، این تنها منفذ مردم غزه را با خارج بست. کوششها و تضمیناتی که حکومت حاکم در غزه برای حکومت مصر در راستای باز شدن بندر میداد سودی نبخشید و غزه در محاصره همه جانبه قرار گرفت.

این محاصره امید هایی را برای مخالفین حماس بوجود آورد تا مگر بتوانند با شورانیدن مردمی که بگمان شان از این وضعیت ناراض خواهند شد، حماس را بزانو در آورند، که این کار صورت نگرفت.

مردم غزه درمقابل این برخورد حکومت مصر، دست به از بین بردن موانعی زدند که غزه را از شبه جزیره سینای مصر جدا میکرد، اهالی غزه برای خرید مایحتاج خویش بسوی بازارهای شبه جزیره سینا در مصر هجوم بردند. آنها بعد از خرید مایحتاج شان دوباره به غزه برگشته ترس و بیمی را که عده پی در بین مصریان رایج میکردند مبنی بر اینکه سینا بمحل بود و باش مهاجرین غزه بدل خواهد شد عاری از حقیقت ساخت. حکومت مصر در مقابل این حرکت چند واکنش تند لفظی بخصوص توسط وزیر خارجه " احمد ابوالغیط " از خود نشان داده، سه روز راه دخول و خروج بین غزه و مصر را باز گذاشت. از میان مردمی که بخاک مصر وارد شده بودند فقط عده پی از افراد حماس را بزندان افگندند که بگفته حماس و تصریحات زندانیان، مورد تعذیب تا سرحد مرگ بعضی از این محبوسین انجامید، و تاهنوز هم عده پی از آنان نزد حکومت مصر در بند اند.

سازمان فتح و اسرائیل بعد از پیروزی حماس در انتخابات ۲۰۰۶ بصورت علنی و حکومت مصر، اردن همراه با بعضی از کشورهای دیگر عربی توسط وسائل اطلاعاتی وابسته به حکومتان شان حماس را متهم به پیروی از بیگانه گان و بصورت روشن از ایران مینمودند، که در مقابل حماس همواره به روابط حسنه با تمام طرفداران قضیه فلسطینی و از جمله با ایران تأکید داشته ولی بصورت قاطع وابستگی شان را با ایران و هرکشور دیگر رد میکردند.

چون راهها ورود و خروج بغزه همه مسدود بود، و حکومت مصر برای جلوگیری از تکرار شکستن حدود مصری تعداد زیادی از عساکرش را در سرحد جابجا کرده بود، اهالی غزه اقدام به نقب زدن میان غزه و مصر کردند تا مواد مایحتاج شان را از طریق همین تونلها بطور قاچاق به غزه نقل دهند. مسدود کردن این تونلها یکی از مطالبی بود که امریکا و اسرائیل همیشه از حکومت مصر انرا خواهان بودند. ولی حکومت مصر نظر به خدشه دار شدن اعتبارش در میان مردم علنا اقدام به تخریب این تونل ها نمیکرد، گرچه وقت و ناوقت حملات ناگهانی بر این تونل ها داشت.

در جهان خارج، افرادی که خود را غمشریک مردم فلسطین در این محاصره میدانستند اقدام به سیر قافله های امدادی توسط کشتی و بعدا توسط کاروانهایی از موترهای لاری و بوس مملو از مواد خوراکی و ادویه بسوی غزه نمودند، که با مشکلات زیادی از جانب اسرائیل و حکومت مصر مواجه گردیده ولی با اصرار بلاخره به غزه وارد میشدند.

برگشت سرباز اسیر، شرطی بود که اسرائیل برای دور کردن محاصره غزه قرار داده بود. اما حماس میخواست تا سرباز اسرائیلی را در بدل اسرای فلسطینی در اسرائیل (ولوکه به هر حزب و گروهی وابسته میباشند)، آزاد سازد. حکومت اسرائیل برای رهایی سرباز اسیرش بصورت غیر مستقیم با حماس در تماس شده تا تنها سرباز اسیرش را در برابر تعدادی از اسرای فلسطینی که تعداد مجموعی شان به ۱۰ هزار، شامل زنان و کودکان تقرب میکند بدست آرد. این مذاکرات غیر مستقیم مدت زیادی را در بر گرفته تا حدودی پیشرفتی میکرد ولی در نقطه حساسی دفعتاً توقف مینمود. حماس در بدل این سرباز خواهان آزادی تعداد زیادی از اسرای فلسطینی و از جمله تعداد کسانی که حبس ابدی داشته و یا از رهبران سازمان های فلسطینی بودند، گردید.

در مورد وحدت میان فلسطینیان با پای درمیانی حکومت مصر کوششهایی برای اشتی طرفین: فتح و حماس، صورت گرفت که هر دو طرف را به امضای معاهده صلح دعوت میکرد.

سال ۲۰۰۸ مشحون از ملاقات ها و رفت آمدهای هیئت ها در رابطه به تبادل اسرا و اشتی فلسطینیان بود. اما در خفا اسرائیل ترتیبات دیگری هم داشت. تجاوزات اسرائیل بر حریم فلسطین همراه با قتل، تخریب منازل و بزندان افگندن فلسطینیان، که سازمان حماس این اعمال را مخالف قرارداد آتش بس موقت میان سازمان حماس و اسرائیل میدانست، در جریان بود. بعد از انتهای تاریخ این آتش بس، سازمان حماس برای تجدید قرارداد آتش بس تضمینات مؤثق مبنی بر وفای اسرائیل را به قرار دادی که میندند خواهان شد، که طرفهای میانجیگر نتوانستند چنین تضمینی را بدهند لذا حماس بدلیل آنچه انرا عدم التزام اسرائیل بتعهداتش میدانست حاضر به تجدید این آتش بس نشد.

اواخر سال ۲۰۰۸، سازمان حماس اعلان داشت که به اسناد و شواهد کتبی و تصویری از مراکزی که مربوط به افراد وابسته به سازمان فتح در غزه بود دست یافته اند که در ان اسناد، درکنار ثبوت ارتباطات بعضی از شخصیتهای

داخل فتح با اسرائیل، اسنادی وجود دارد که بعضی از شخصیت‌های بلند سیاسی، حتی در داخل سازمان فتح را، گروه‌های استخباراتی که به افراد مشخص مافیایی در سازمان فتح وابستگی داشتند، توسط فیلم برداری مخفیانه از هماغوشی شان با زنه‌ایکه به همین منظور استخدام میشدند و یا دادن پول، بشکل گروگان در قبضه خود گرفته و بعدا از آنها میخواستند تا مطابق بمیل همین گروه‌ها کار کرده اوامر شان را بجا آرند. بگفته حماس؛ این گروه‌ها در نهایت در خدمت استخبارات اسرائیل قرار داشتند، و افراد گروگان گرفته شده را در خدمت منافع اسرائیل قرار میدادند.

اعلان جنگ از بالکن وزارت خارجه مصر:

بتاریخ ۲۵ دسامبر ۲۰۰۸ سیبی لیفنی وزیر خارجه اسرائیل سفری به قاهره پایتخت مصر داشت، بعد از مذاکرات سری با مقامات مصری در یک کنفرانس خبری در دفتر وزیر خارجه مصر در حالیکه احمد ابوالغیط در کنارش ایستاده بود، تهدیدی شدید اللحنی را به حماس فرستاد. وزیر خارجه مصر نه تنها موقف مخالفی با لیفنی نگرفت بلکه با لهجه ملامت بار حماس را ملامت نمود. این موقف حکومت مصر را عدهٔ بیشتری از سیاست مدارانی که قضایای شرقمیان را تعقیب میکنند، به توافق اسرائیلی- مصری در مورد ضربه مرگبار بر حماس، توجیه کردند.

روز ۲۷ دسامبر ۲۰۰۸ را اسرائیل روز نقطه پایان گذاشتن به زندگی سیا سی حماس با بمباردمان شدیدی بر مراکز حکومتی و سازمانی حماس اعلان داشت. اسرائیل هدفش را از این حمله، سرکوب پرتاب کنندگان راکت بسوی اسرائیل (شهرک های اعمار شده در خاک های اشغالی فلسطینی)، و آزادی سرباز اسپرش اعلان کرده بودند. بزرگترین ضربه را درین روز مرکز آموزشی امنیت شهری دید که بتعداد صدها نفر که در محفل توزیع شهادتنامه به فارغ التحصیلان جدید از این مرکز جمع شده بودند زخمی و کشته شدند.

همزمان با شروع حمله اسرائیل سازمان فتح و حکومت موجود در رام الله، حمله بر غزه را استقبال کردند، چنانچه وسائل خبری از تجمع افرادی از سازمان فتح تحت رهبری محمد دحلان در ساحه سینای مصری خبر میدادند که در انتظار سقوط و فرار اعضای حماس از غزه بودند. همچنان حکومت مصر در اولین عکس العمل خویش بر حمله اسرائیلی بالای غزه حماس را مخاطب قرار داده که به نصایح ما گوش نکرده و نتایج انرا باید تحمل کنند.

طبق گزارشات خبری، حکومت اسرائیل همراه با حکومت مصری و سازمان فتح حاکم در رام الله مرکز فلسطین در کرانه غربی رود اردن، انتظار داشتند تا حکومت حماس در غزه ظرف کمتر از یک هفته سقوط کرده، عده بی از آنها بقتل خواهند رسیدو متباقی در مخفیگاهها پنهان و یا به خاک مصر پناهنده خواهند شد.

خلاف انتظار منتظرین این جنگ بطول کشید و اسرائیل از هر نوع اسلحه، که استعمال بعضی از آنها ممنوع گفته میشود هم استفاده کرد. ولی حماس خلاف توقع خیلی ها، بمردم وعده بی پایداری و مقاومت را داد. غزه از چهار سو در محاصره بود و دستهای جنگی اسرائیل هم تا آخر باز !.

۲۲ روز اتشباری، قتل، تخریب و استفاده از مهلک ترین اسلحه، نتوانست مردم غزه و حکومت حماس را بزانو در آورد. عکس العمل مردم در کشورهای مختلف جهان در مقابل این حمله روز بروز تند تر میگشت. در میان کشور های جهان موضع گیری هوگو چافیز رئیس جمهوری وینزویلا و حکومت ترکیه خیلی برانزده تر بود. کشورهای بزرگ غربی علنا حمایه شان را از اسرائیل اعلان داشتند. اینها راکت پرانی های ملیشیه های فلسطینی را از غزه که اکثرا بجای خسارت مادی وحشت روانی در میان ساکنین شهرک های مستعمراتی اسرائیل تولید میکرد عامل کافی برای چنین حمله مرگبار و تباه کن میدانستند. در میان کشور های قابل ذکر عربی تنها سوریه لبنان، لیبیا و قطر از ابتدا علنا اسرائیل را محکوم کردند. سازمان ملل متحد نتوانست زیر فشار دولت های مقتدر غربی حامی اسرائیل کاری به پیش ببرد. و حکومت مصر هنوز هم سرحد را بر روی مردم که هرگز بسوی ان بخاطر فرار نیامدند بسته بود، تنها بعد از مدتی که از جنگ سپری شد و مردم غزه مقاومت نشان دادند سرحد را برای عبور عده محدودی از مجروحین میگشودند که فلسطینیان از برخورد عده از مسئولین مصری با مجروحین نیز شاکی بودند.

برخلاف توقع انانیکه در فروختن جنگ، مستقیم یا غیر مستقیم سهیم بودند، این جنگ بدر از ان کشید. حتی پیش بینی های تلویزیون های اسرائیلی که جنگ را در ظرف چند روز و با پیروزی مهاجمین پیش بینی نموده بودند، حقیقت پیدا نکرده بلکه وارد هفته چهارم شد. (واقعات جنگی هدف بحث نیست، مراجع و منابع بیحد و حصری است که علاقمندان را میتواند معلومات کامل دهد.)

با بطول کشیدن جنگ، و مقاومت غیر منتظره مردم در غزه، افراد و حکومت‌های عربی که منتظر ورود قوای مهاجم در غزه بودند تا در قفای ایشان، افراد جمع شده در سینای مصری برای عملیات جزئی و کوچکتر داخل شوند، لهجه شان را تغییر داده؛ صدای همنوایی با مردم غزه را سردادند. و با حالت شرمندوک از اسرائیل و اعمالش در غزه نگوشت کردن را آغاز کردند.

درین جنگ نابرابر حوالی ۱۴۵۰ فلسطینی که اکثریت انرا مردم ملکی تشکیل میدادند و حدود یک ثلث ان زنان و اطفال بودند، کشته شدند، که همزمان حدود ۵۵۰۰ زخمی داشتند. طبق اظهارات مقامات رسمی اسرائیل بتعداد ۱۴ تن عسکر اسرائیلی کشته و ۱۶۸ تن دیگر زخمی شدند.

این جنگ ۲۲ روز دوام کرد که خلاف میل و اراده حمله کنندگان و طرفدارانشان بود، از انجاییکه سازمان ملل متحد دنباله رو قدرت های زور گو است ، نتوانست کاری را برای حمایت افراد بیگناه فلسطینی حتی در ساختمانهای مربوط به سازمان ملل در غزه ، انجام دهد. نظر به شواهدی که در اختیار اطلاعات جمعی قرار گرفت اسرائیل در این جنگ پابند هیچ قیدی نبوده از همین جهت مکاتب ، پوهنتون، شفاخانه، پناه گاهها، خانه های مسکونی و.... مورد حمله عساکر اسرائیلی قرار گرفت.

اهداف اسرائیل از این جنگ که همانا از بین بردن حماس و برگرداندن حکومت طرفدار فتح بر غزه ، ازاد ساختن سرباز اسیر اسرائیلی " گلعد شالیت " از چنگ ملیشیه های حماس و باز داری فلسطینیان از شلیک راکت های خود ساخت فلسطینی براهداف اسرائیلی بود، هیچ یک تحقق نیافت. ولی در عوض اسرائیل در نظر تعدادی از کشورهایائیکه حامی وی بودند و همچنان افکار عمومی جهانی ، بخاطر قتلهای خارج از حد و مرزی که انجام داده بود بی اعتبار گردید.

آنچه در این جنگ، نا متوقع بود، موقف حکومت مصری و رئیس دولت خود گردان فلسطینی است که با هر نوع مساعی برای توقف اسرائیل از ادامه جنگ و کمک به مردم غزه کار شکنی مینمودند. تا اندازه که حکومت مصر از ارسال مواد کمکی طبی و غذایی بعضی از کشورهای و یا رفتن طبیبانی جهت مداوای مجروحین ممانعت بعمل آورد، صرف برای افراد محدود و معینی و در مواردی که خود حکومت مصر میخواست مواد اندکی را اجازه دخول میداد. این درحالیست که وضعیت در غزه وخیم تر از این بود که بتوان با چنین کمک های ناچیزی بدادشان رسید.

بعد از این جنگ اسرائیل در مجامع بین المللی و مدافع حقوق بشر محکوم گردید از جمله در کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد طبق راپور قاضی گلدستون متهم به جنایات جنگی گردید. که در بعضی حالات میتواند تا جنایت ضد بشریت ارتقا کند. چنانچه حماس را نیز بعلت پرتاب راکت های خود ساخت که غالبا زیان جانی نمیداشت و تنها تخریب مبانی، و رعب و وحشت را در میان شهرک های مستعمراتی اسرائیل ایجاد مینمود محکوم نمودند. بنظر عده یی زیادی از طرفداران قضیه فلسطین ومدافعین حقوق بشر، مصیبت وقتی به اوجش رسید که حکومت محمود عباس در جلسه اولی کمیته حقوق بشر مربوط به سازمان ملل متحد در ژینو از نماینده اش خواست تا بخاطر نجات اسرائیل از محکوم شدن، عدم بررسی تحقیقات قاضی گلدستون را در کمیته حقوق بشر تقاضا نماید.

در نتیجه این جنگ صدمات جبران ناپذیری بر غزه و سکان ان وارد شد، در کنفرانسی که بعد از جنگ برای بازسازی غزه دائر شد تعهد رسانیدن کمک برای بازسازی غزه داده شد اما این وعده تا امروز که تقریبا یکسال از ان وعده ها میگذرد عملی نگردیده است، چون اسرائیل مانع ورود هر نوع مواد و از جمله مواد تعمیراتی برای دوباره سازی منازل و مناطق مخروب شده گردیده است.

وقتی برادر بنمایندگی از دیگران جلاد برادرش میگردد!:

اگر اسرائیل مانع رسیدن کمک به غزه از بنادر خودش میشود تا حدی شاید قابل فهم باشد، ولی آنچه را مصر در نرسانیدن کمک و همیاری با مردم غزه بسر میرساند برای خلیها تعجب اور است.

اهالی غزه که در امتداد خط کوتاهی با مصر همسرحد ند، بعد از مسدود کردن حکومت مصر مرزش را با غزه ، از تونل هایی میان غزه و مصر برای قاچاق مواد خوراکی و دیگر مایحتاج شان استفاده میکردند که وقت ناوقت از سوی اسرائیلی ها و احيانا مصری ها مورد هجوم قرار میگرفتند، چنانچه در تازه ترین راپوری که توسط جمعیتی از مدافعین حقوق بشر در انگلستان تهیه گردیده، حکومت مصر از وسائل متنوعی برای سرکوب استفاده کنندگان از این تونل ها کار گرفته که استفاده بعضی از این وسایل نظر به قوانین بین المللی ممنوع میباشد.

طرفداران مردم فلسطین که میدیدند بیش از یکنیم میلیون انسان در بزرگترین تجمع انسانی در کره زمین از محاصره رنج میبرند، اقدام به رساندن مواد طبی و خوارکی به ساکنین غزه کردند.

یکی از مشهورترین سازماندهندگان کمک به فلسطینیان و معارضان شدید محاصره غزه **جورج گالوی** نماینده سابق مجلس عوام بریتانیا است که رهبری اخرین قافله کمک رسانی را بعهدہ داشت.

حکومت مصر که خود را حامی مردم فلسطین قلمداد میکند، از وجود حماس بصورت کل در فلسطین، و بصورت اخص در غزه ناراحت بوده و وجود انرا درد سری برای خود میداند، لذا برای سرکوب حماس و لو بقیمت جان سکان غزه هم باشد، نمیخواهد چیزی وارد غزه شود. از همین رو اقدام به بستن تونل هاییکه فلسطینیان برای بقای خویش در مرز غزه و مصر کنده بودند نمود. برای اینکه به این هدفشان که همانا محروم کردن سکان غزه از استفاده از این تونلها برای قاچاق ما یحتاج شان بود، برسند، اقدام به دیوار کشی بر روی زمین وهمچنان زیر زمین نمودند.

عده‌یی که اوضاع رقت بار مردم را در غزه پیگیری میکردند، خواستند تا ولو به اندازه کوچکی هم باشد کمکی به سکان غزه که در محاصره قرار داشتند برسانند. روی همین منظور بتاريخ ۰۶-۱۲-۲۰۰۹ قافله بنام "شاهرگ زندگی"، مرکب از انواع مختلف عراده جات که مملو از مواد طبی و سائر مواد مورد نیاز عاجل را با خود حمل میکرد، بر رهبری جورج گالوی که قبلاً هم رهبری کاروان مدد رسانی به غزه را عهده دار بود، از لندن بسوی شهر غزه در حرکت شد. این قافله بعد از استقبال در مسیر راهشان و بعد از پیمودن فاصله زیادی بلاخره به اردن رسید تا از آنجا به مصر داخل شده خود را به غزه برساند. حکومت مصر قافله را که مرکب از ۲۵۰ عراده موتر و ۵۰۰ نفر از کشور های مختلف جهان بودند و ادار به برگشت از بندر عقبه اردن به بندر لاذقیه سوریه کرد تا از آنجا به منطقه سینای مصر و بعداً به غزه داخل شوند. بلاخره این قافله با تاخیر بیش از یک هفته از تاریخی که مد نظر داشتند بتاريخ ۰۵-۰۱-۲۰۱۰ توانستند وارد غزه شوند. قبل از دخول به غزه، عساکر مصری این کاروان را با انواع مزاحمت و مشکل تراشی بدرقه کردند، زد و خوردی که در پای دروازه بندر، میان طرفین رخ داد، سبب شد نزدیک به ۵۰ نفر از اعضای کاروان بشمول تعدادی از مستقبلین در انسوی مرز توسط قوای نظامی مصر زخمی شوند که وضعیت چند تن ایشان وخیم اعلان شد. در جانب مقابل یک عسکر مصری کشته و تعدادی هم زخمی شدند. حکومت مصر مرگ سربازش را نتیجه فیر از انسوی مرز عنوان کرد. در حالیکه اعضای کاروان میگویند که عسکر مصری در اثر مرمی دوستانش بقتل رسید. مرگ این سرباز عاملی بود تا حکومت مصر و هوادارانش به کمپاین شان بر علیه حماس و غزه بیفزایند، چنانچه از این حادثه برای توجیه بنای **دیوار فولادی** که میان غزه و سرزمین مصری به مصر امریکا کشیده میشود استفاده صورت گرفت.

این **دیوار فولادی** که بطول ۱۰ کیلومتر میان غزه فلسطینی و سینای مصری کشیده میشود، در قسمت هایی این تخته های ضخیم علاوه بر سطح زمین، بعمق ۳۰ متر در زیر زمین نیز جا داده میشود تا مانع هر نوع کندن تونل توسط مردم غزه برای نقل مواد غذایی از جانب مصری به مردم در بند کشیده شده غزه شود. حکومت مصر به این دیوار در روی زمین و زیر زمین اکتفا نکرده بلکه پایپ لاین آبی را نیز می خواهد بموازات این دیوار در زیر زمین بکشد تا زمین نمناک گردیده توان پایداری تونل را از بین ببرد.

پی آمد این حصارکشی بدور غزه این بود که مردم غزه را در انتظار یک فاجعه حقیقی قرار دهد. از همین رو با مخالفت شدید مردم در گوشه و کنار جهان قرار گرفت. حکومت مصر که در ابتدا منکر چنین کاری بود، بعد تر برای این عمل خود دلایل امنیتی را پیش میکرد، این در حالیست که سرحد مصر با غزه از امن ترین سرحدات مصر محسوب میگردد. حکومت مصر از تمام وسائل برای آرام ساختن افکار عمومی جهان و از جمله مصری های مخالف با سیاست های دنباله حکومت مصر از اسرائیل دستگاههای دینی را نیز بحرکت در آورده، توسط سید طنطاوی که در مسند رهبری "ازهر" از سوی حکومت منسوب گردیده است، فتوای جواز چنین حصارکی را به بیرون داد، که برای کمتر مسلمانی قابل قبول بود. در حالیکه علمای زیادی این دیوار کشی را شریک شدن در گرسنه نگه داشتن یکنیم میلیون انسان مظلوم دانسته انرا شرعاً حرام گفتند. قابل تذکر است که در همین فتره زمانی که غزه در محاصره قرار گرفته و خصوصاً بعد از شراکت مصر در این حصار، به صدها فلسطینی بخاطر نرسیدن ادویه لازم، و یا اجازه نیافتن عبور از بندر برای علاج، بخارج از غزه جان هایشان را از دست داده اند، که مسئولیت مرگ این مظلوم ترین قشر جامعه بشری (بیماران) بر گردن محاصره کنندگان و همکاران شان قرار میدهند.

در محکوم کردن این حصار پولادین که شاید در تاریخ معاصر نمونه نداشته باشد، نه تنها مردم غزه بلکه تمام انانیکه به کرامت بشری احترام دارند شریک شدند چنانچه احتجاجاتی در اکناف جهان بر علیه محاصره غزه که عده‌یی انرا بنام "بزرگترین زندان دسته جمعی در دنیا" نام گذاری کرده اند صورت گرفت. اعتبار یکی از بزرگترین کشور های عربی و اسلامی بخاطر شراکتش در این محاصره سخت خدشه دار شد. این موقف گیری حکومت مصری در پهلوی مواضع دیگری که برخلاف توقع، در ضدیت با منافع جمعی عربی قرار میگیرد از شأن و وزن این کشور در میان کشورهای عربی و اسلامی می‌کاهد.

بار دیگر، حکام فلسطینی در بخش کرانه غربی رود اردن که توسط سازمان فتح اداره میشود، در تضاد با مردم غزه قرار گرفته، از این دیوارکشی به دور غزه دفاع کردند.

چنانچه محمود عباس و حکومت فتح در کرانه غربی رود اردن بشمول حکومت مصر متهم اند به اینکه ایشان از اسرائیل خواسته اند تا تبادل صدها فلسطینی اسیر در زندان های اسرائیلی را در مقابل سرباز اسرائیلی به بهانه اینکه محبوبیت حماس در بین مردم فلسطین زیادتر خواهد شد بتعویق اندازند. آنان به اسرائیلی ها وعده کرده اند که سرباز اسیرشان را به قیمت کمتری دوباره به اسرائیل از دست حماس مسترد نمایند.

مردم غزه با کمال ناباوری به قساوت برادران خونی خود، نسبت بخودشان مینگرند، از همین رو مردم غزه پیامهایی بسوی قاهره میفرستند که از انجام بد این عمل انهارا گوشزد میدارند. با تذکر این مطلب که قبل از تسلط انگلیس ها و سپس اسرائیلیها بر فلسطین، غزه ولایتی بود مربوط بمصر.

یکی از رهبران کلیسای کاتولیک در غزه کشیش "مانویل مسلم" که در تمام مصائب در کنار برادران مسلمان خود در غزه قرار داشته ضمن محکوم کردن محاصره غزه توسط مصریان ، در صحبتی که از طریق کانال تلویزیونی " حوار" پخش شد اظهار داشت : اگر قرار باشد که مردم غزه در بند کشیده شوند و تمام راههای شان مسدود گردد، مردم غزه قهراً برای خود مخرجی خواهند جست و لی این مخرج هرگز بسوی اسرائیل نخواهد بود بلکه بسوی مصر خواهد بود و مردم غزه ترجیح خواهند داد تا خونشان در خاک عربی ریخته، و جسدشان در خاک عربی باشد تا در خاک اسرائیل.

و به این صورت میتوان پرسید: آیا میشود برادر، بنمایندگی از دیگران در مقابل منافع ناچیزی، جلاد برادرش گردد؟!،

پایان